



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره پیاپی ۱۴

شناخت عامل‌های اثرگذار بر مسائل شهری ایران با رویکرد عدالت اجتماعی

ابوالفضل مشکینی (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

meshkini@modares.ac.ir

مرتضی نصرتی هشی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

mortezanosrati@znu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

صص ۷۶-۵۷

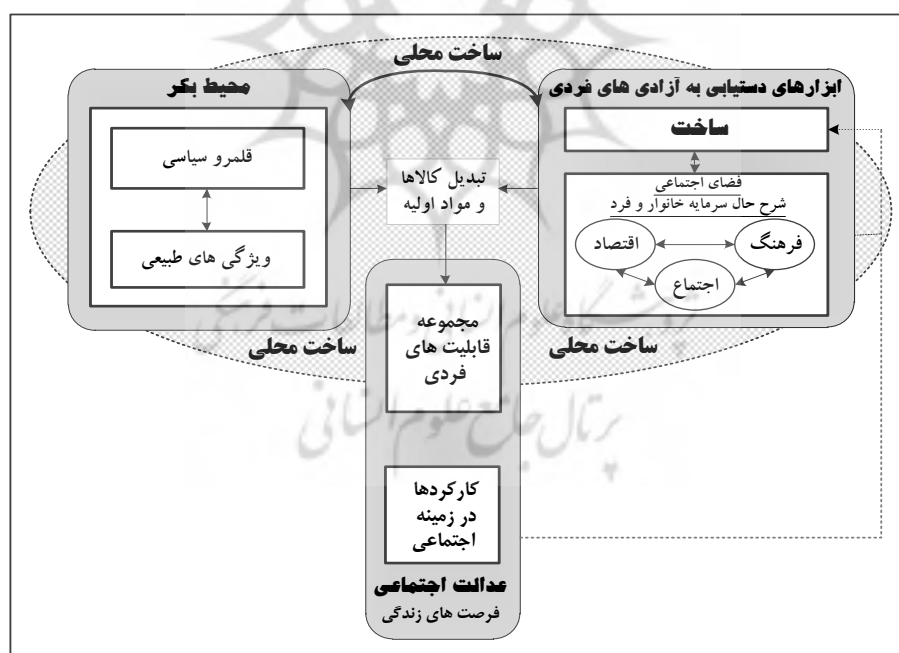
چکیده

با شکل‌گیری دیدگاه قطب رشد پس از اصلاحات ارضی دهه ۴۰ و همچنین ادامه روند افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرها بعد از انقلاب، تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها به ویژه در شهرهای بزرگ و بی‌توجهی به توزیع عادلانه قدرت، ثروت و امکانات در سایر نواحی شهری کشور تشدید شده است. بر این اساس، هدف این پژوهش شناسایی متغیرهای کلیدی و اثرگذار و روابط حاکم میان متغیرها در سیستم شهری ایران به منظور تحقق عدالت اجتماعی طی بازه زمانی کوتاه مدت در افق ۱۴۱۰ است. از این رو، فرآیند پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و بر حسب رهیافت تحقیق، توصیفی-اکتشافی است. داده‌ها به کمک تکنیک پویش محیطی و با مشارکت ۱۶ متخصص رشته برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به عنوان اعضای پانل خبرگان گردآوری شده که برآیند آن، شناسایی ۲۱ متغیر اولیه جهت بررسی وضعیت آینده عدالت اجتماعی در شهرهای ایران است. شناسایی متغیرهای اثرگذار و اثرپذیر و روابط حاکم بر میان متغیرها از روش پرکاربرد در آینده پژوهی، «تحلیل ساختاری»، متغیرها استفاده شده است. نتایج تحقیق مبین آن است، متغیر «آموزش حقوق شهروندی»، در محیط سیستم از ثبات و اثرگذاری بسیار بالایی برخوردار است. همچنین، متغیرهای «ایجاد فرصت برابر» و «دموکراسی شهری» به عنوان متغیرهای دوجبهی، «توزیع عادلانه قدرت و ثروت» به منزله متغیر ریسک و متغیرهای هدف شامل «تخصیص عادلانه منابع و امکانات» و «استحقاق»، دارای اثرگذاری و اثرپذیری بسیار بالایی هستند. این متغیرها از ظرفیت بسیار زیادی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم جهت تحقق عدالت اجتماعی در شهرهای ایران برخوردار می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی، عدالت، عدالت اجتماعی، مسایل شهری ایران، میک مک.

۱. مقدمه

در مطالعات عدالت اجتماعی مفهوم «عدالت مقید به زمان و مکان و نوع روابط نظامات و ساختارهای اجتماعی بوده (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۲) و بنابراین، مفهوم عدالت ابدی نیست (حاتمی نژاد و شورچه، ۱۳۹۳، ص. ۷۷-۷۶). یکی از بارزترین و مهم‌ترین فضایل و ارزش‌های آدمیان به عنوان اصول خدشه ناپذیر زندگی در تاریخ بشری، «عدالت اجتماعی» است (رحیمی و نقی‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۴). از دیرباز تمرکز قدرت و ثروت، همواره موجب بوجود آمدن ستم و انحصار در جامعه بوده است. بی‌عدالتی از یک طرف حاصل ساختار قدرت، نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده و از طرف دیگر حاصل شرایط طبیعی است. بنابراین، بازتولید روابط و مناسبات نابرابر قدرت و ثروت و تقسیم بندی ناشی از آن، دسترسی نابرابر گروه‌های مختلف اجتماعی به منابع (ابوریساده، ۲۰۲۰، ص. ۲۵۷) را رقم می‌زند. به طور کلی، مفهوم عدالت اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیایی شد و برای «نخستین بار صدای بازماندگان در جوامع انسانی در علم جغرافیا طنین انداز می‌گردد» (شکویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۱). شکل (۱) بیانگر چارچوب مفهومی معنای هنجاری عدالت و تبیین‌های جغرافیایی و جامعه‌شناسی نابرابری در مفهوم فضا است.



شکل ۱. عدالت اجتماعی به عنوان تابعی از اشکال محیط‌های بکر، ساخت و سرمایه است (ایزرائیل و فرنکل، ۲۰۱۸، ص. ۷)

راولز^۱ در دهه ۷۰ با مطرح کردن «عدالت به مثابه انصاف» پایه‌گذار شروع جدید از بحث‌ها بر سر بی‌عدالتی و نابرابری‌های جامعه شهری بود (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۶۵) و هم‌زمان با این اندیشمند، دیوید هاروی^۲ در سال ۱۹۷۳ با انتشار اثر ارزشمند خود با عنوان «عدالت اجتماعی و شهر» اولین جغرافیادانی بود که مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها (شکویی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۱)، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم بکار می‌گیرد (احدنژاد و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۳۶). بنابراین، عدالت اجتماعی به عنوان یک ماهیت اخلاقی (مولندوف^۳، ۲۰۱۸، ص. ۱) به طور سستی به توزیع منافع و منابع در جامعه اشاره دارد (ایزرائیل^۴ و فرنکل^۵، ۲۰۱۸، ص. ۲).

محوری‌ترین مفاهیمی که در عدالت اجتماعی بر آن تأکید می‌شود، شامل سه اصل کلیدی می‌باشند:

۱. نیاز: به این معنا که افراد در بهره برداری از منابع و امتیازات دارای حقوق برابر هستند.

۲. منفعت عمومی: شامل کارایی و معیارهای رشد اقتصادی و تحلیل آثار خارجی و جانبی است.

۳. استحقاق: تخصیص منابع اضافی به نواحی خاص فقط در صورت کمک به مصالح عمومی پذیرفته است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۷).

از دیدگاه جغرافیایی عدالت اجتماعی و شهر، توزیع مناسب کاربری‌ها و خدمات شهری و استفاده صحیح از فضاها از جمله عوامل مؤثری هستند که با ارضای نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر عدالت اجتماعی، اقتصادی و فضایی را در نواحی شهر برقرار کنند (بندراباد و خلیجی، ۱۳۹۷، ص. ۸۰). تخصیص منابع با توجه به میزان تأکید بر عدالت اجتماعی مردم شهر را در سهولت دسترسی به امکانات بهداشتی، زمان رسیدن به محل کار، مسکن مناسب، والگوی مناسب تولید و توزیع یاری می‌دهد و چون میزان این قبیل منابع در شهرها محدود است (شکویی، ۱۳۹۸، ص. ۲۷) بنابراین، حرکت و پایداری شهرها زمانی محقق خواهد شد که تخصیص و توزیع امکانات و خدمات میان واحدهای اجتماعی و فضایی شهرها مطابق با نیازهای جمعیتی و مساوات و برابری جغرافیایی (ودایع خیری و رضائی، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۴)، توانمندسازی و ارتقاء شمولیت اجتماعی و سیاسی همه، تضمین فرصت برابر (کوهن^۶، ۲۰۲۰، ص. ۱۳۸) و کاهش توزیع نابرابر درآمد بین گروه‌های مختلف در یک جامعه صورت گیرد (ناکو^۷، ۲۰۲۰، ص. ۲). جغرافی دانان مارکسیستی چون «دیوید هاروی» و «مانوئل کاستلز^۸» معتقدند، اقتصاد سرمایه‌داری و انباشت سرمایه با استفاده از فناوری، ابزار و تخصص‌های خود فرم‌های فضایی را خلق می‌کنند که نتیجه آن تشدید بی‌عدالتی، بهره‌کشی و محرومیت‌زدایی و تغییر مکان گروه‌های

1. Rawls
2. David Harvey
3. Moellendorf.
4. Israel
5. Frenkel
6. Kuhn
7. Naku
8. Manuel Castells

کم درآمد است. درخواست پوپولیسست‌های شهری همچون «هربرت گانز^۱»، «هری بویته^۲» و «پیتر ساندرز^۳» از برنامه‌ریزان این است که به سلاقی عمومی احترام بگذارند و توسعه‌دهنده مفهوم دموکراسی تساوی‌گرا باشند (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۶۹). هدف جغرافیدانان مکتب جغرافیای رادیکال، شناسایی چگونگی توزیع منابع کمیاب مثل زمین شهری، توزیع درآمد میان مردم، ثروت کشور و غیره است. در مکتب جغرافیای فرهنگی نو، نیل اسمیت^۴ اظهار می‌دارد: نابرابری و نبود عدالت اجتماعی در شهرها حاصل دو عامل بحران‌زا در نظام سرمایه‌داری است: ۱. تثبیت فضایی سرمایه ۲. نیاز شدید سرمایه‌داری به تحرک سرمایه در جهت تعادل‌بخشی به قانون سوددهی سرمایه (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۶۸). از دید اونیل، یک ساختار اجتماعی تساوی‌طلبانه پیش‌شرطی برای دربرگیرندگی همه شهروندان به عنوان مشارکت‌کنندگان مؤثر در فرآیند سیاسی است (ودایع خیری و رضائی، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۳). دیدگاه این پژوهش بر آن است که تخصیص منطقه‌ای منابع باید به گونه‌ای باشد که افراد با کمترین شکاف و اعتراض نسبت به استحقاق حقوق خود مواجه باشند. از این رو، عدالت اجتماعی در شهر باید به گزاره‌های زیر پاسخگو باشد: ۱. تخصیص متناسب امکانات و خدمات، ۲. استفاده از توان‌های بالقوه و بالفعل در شهر، ۳. جلوگیری از به وجود آمدن زاغه‌های فقر (ملکشاهی و وکیلی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۱).

به طور کلی، تمرکز توسعه در شهرها به ویژه در کلان‌شهرها، توجه به مفاهیم فیزیکی و کالبدی و غفلت از اهداف اجتماعی، شهرها را با چرخه نامطلوبی از نبود تعادل‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی روبه‌رو کرده و چالش‌های بی‌سابقه‌ای را همچون فقر، تعارضات فرهنگی، نزول کیفیت زندگی، شکاف درآمدی، از هم‌گسیختگی اجتماعی، تضعیف نهاد خانواده (خاکپور و باوان‌پوری، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۴)، بی‌عدالتی در توزیع خدمات و زیرساخت‌های اساسی شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی پیش روی آنها نهاده است (مشکینی و تردست، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۸). با تمرکزگرایی شهری پس از اصلاحات ارضی و تزریق درآمدهای نفتی به شهرهای بزرگ، کشور ما نیز در چند دهه اخیر با رشد فزاینده‌ای رو به رو شده و در نتیجه شهرهای ایران با موجی از نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله، سیاست‌های برنامه‌ریزی فضایی نامناسب و سیستم ناتمام مدیریت زمین (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۳)، فشار لابی‌های قدرت سیاسی و اقتصادی، نبود حمایت از اقشار ضعیف و کم درآمد جامعه، نابرابری‌های جنسیتی ساختاری (سگرز^۵، ۲۰۲۰، ص. ۱۵) در فضای عمومی و شهری، دست به گریبان بوده است. تشدید این نابرابری‌ها موجب شکل‌گیری دوگانگی طبقاتی و ایجاد یک فضای ناسالم و متضاد با نیازهای واقعی و شرایط محلی در جریان‌های توسعه شهری شده است. این امر می‌تواند زمینه شکل‌گیری ناآرامی‌ها و تنش‌های اجتماعی و سیاسی را فراهم آورد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۷۷۰؛ آلواردو و همکاران^۶، ۲۰۱۸، ص. ۴).

1. Herbert Gans
2. Harry Boyte
3. Piter Saunders
4. Neil Smith
5. Seghers.
6. Alvaredo

با این وجود، پژوهش‌های خارجی و داخلی گسترده‌ای درباره عدالت اجتماعی به صورت منسجم توسط اندیشمندان و پژوهشگران شهری انجام شده که در آن به تأثیرات و پیامدهای منفی ناشی از بی‌عدالتی و نابرابری‌ها برای انسان شهری اشاره می‌شود: قائدرحمتی و دیگران (۲۰۱۸) در مقاله «تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر اصفهان» نشان می‌دهد عدالت اجتماعی به صورت ناهمگن در خوشه‌های توزیع مکانی در شهر اصفهان توزیع می‌شود. کیم^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «بازتوسعه شهری همراه با پیامدهای عدالت: نقش عدالت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در تصمیم‌گیری‌های جابجایی سکونتی، نتیجه می‌گیرد، ارتباط با همسایگان در پروژه بازسازی منجر به احتمال جابجایی کمتر می‌شود. کائو^۲ و هایکمن^۳ طی پژوهش «حمل و نقل، عدالت اجتماعی و قابلیت‌ها در شرق پکن» با هدف کشف سطوح مختلف عدالت اجتماعی در ارتباط با جنسیت، سن، درآمد فردی و مالکیت ماشین به بررسی فرصت درک‌شده برای سفر و دسترسی به فعالیت‌ها در گروه‌های جمعیتی متفاوت می‌پردازد. نتایج تحقیق بیانگر عدم توجه به نابرابری اجتماعی مرتبط با حمل و نقل عمدتاً در توسعه سیستم‌های حمل و نقل است و تا حد قابل توجهی در ارزیابی پروژه در نظر گرفته نمی‌شود. در گستره پژوهش‌های داخلی، ستاوند و دیگران (۱۳۹۸)، در پژوهش «واکاوی فضایی مناطق شهری شیراز از منظر عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات عمومی» به منظور تحلیل و رتبه‌بندی مناطق شهری از منظر برخورداری عمومی با استفاده از مدل‌های تاپسیس فازی، ویکور و روش تصمیم‌گیری چند معیاره ارزیابی تولید وزنی تجمعی^۴ نتیجه می‌گیرد وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب شهری و زیست‌پذیری در کانون‌های جرم خیز بخش مرکزی شهر تهران نامطلوب و رابطه ضعیف و متوسط دارند. بندرآباد و خلیجی (۱۳۹۷) در مطالعه «سنجش عدالت اجتماعی با رویکرد توسعه پایدار، نمونه موردی: مناطق شهری تبریز» به بررسی و شناخت نحوه و چگونگی توزیع خدمات در مناطق شهر تبریز و تعیین معیارهای اصلی سطح توسعه‌یافتگی با بهره‌گیری از مدل تحلیل خاکستری (GRA)، می‌پردازد. یافته‌ها مبین آن است توزیع خدمات و امکانات در مناطق شهر تبریز متوازن و هماهنگ نیست. مشکینی و دیگران (۱۳۹۶) به منظور مطالعه و بررسی ارتباط میان عدالت شهری و سرمایه اجتماعی در محلات شهر فردوسی، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته که نتایج نشانگر آن است، در تمام محله‌ها به غیر از محله محمود آباد، عدالت اجتماعی شهری بالا و میزان سرمایه اجتماعی پایین بوده و همچنین مشارکت، بیشترین تأثیر را بر عدالت اجتماعی در محله‌ها دارد. بنابراین، در پژوهش‌های انجام شده بیشتر مسایل کیفیت زندگی، نابرابری‌های محله‌ای، سطح برخورداری از خدمات و امکانات، نقش سرمایه اجتماعی و نابرابری فضایی از منظر عدالت اجتماعی مورد توجه بوده است. مطالعه در شناخت و قدرت تأثیرگذاری هر یک از متغیرها و روابط حاکم در امر تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی، نقطه قوت این پژوهش و ارزیابی موضوع محسوب می‌شود.

1. Kim
2. Cao
3. Hickman
4. Waspas

امروزه به دلیل پیچیدگی‌های فضایی سیستم شهری، برنامه‌ریزی شهری سنتی نیازمند تحول و دگرگونی در مبانی و اندیشه‌ها، رویکردها و روش‌ها بوده تا با ارتقاء بازدهی، افزایش تحقق‌پذیری و انعطاف‌پذیری بتواند نواقص و کمبودهای تئوریک خود را رفع نماید. از این رو، توجه بیشتر مطالعات شهری به مباحث نابرابری، دسترسی به خدمات، توزیع امکانات و خدمات، سرانه کاربرهای شهری، شناخت متغیرهای اثرگذار بر تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی و روابط متقابل بین متغیرها به منظور شکل‌دهی و ایجاد تعادل و توازن در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی برای تسهیل عادلانه منابع و امکانات در شهرهای ایران امری ضروری است. جهت پاسخگویی به این نیاز، آینده‌پژوهی یکی از رویکردهای معاصر متأخر در برنامه‌ریزی، می‌تواند دید مردم و مسئولان را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و مخاطرات احتمالی باز نگاه دارد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۳). در همین راستا، کاهش نارسایی‌ها در جهت حرکت به سمت توسعه متوازن و پایدار شهری برای نهادینه شدن عدالت اجتماعی در شهرهای کشور، ما را بر آن می‌دارد، شناخت متغیرهای کلیدی و اثرگذار به منظور تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی در شهرهای ایران در افق ۱۴۱۰ و مطالعه روابط حاکم از میان حجم انبوه متغیرها مسأله اصلی این نوشتار را شکل دهد.

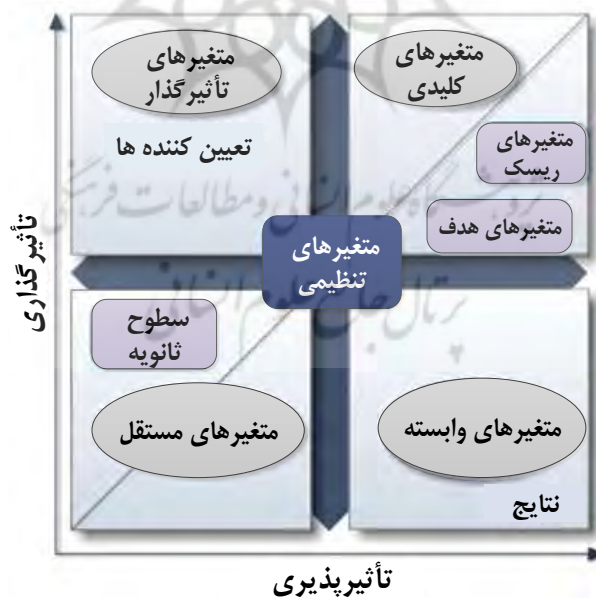
۲. متدولوژی

در شرایط پسمادرن، آماده شدن برای رؤیاری با رخدادهای ناپایدار یا نامشخص (سادندورف^۱، ۲۰۱۷، ص. ۱)، رفتن به آینده (خزایی و حسینی گلکار، ۱۳۹۴، ص. ۸۳) و پیش‌روندگی روابط اجتماعی به مثابه سیال و تغییرپذیر (اسلاتر^۲، ۲۰۲۰، ص. ۲۹) با استفاده از فعل و انفعال‌های موقعیت‌های متغیر و انتخاب‌های ایجاد شده (رفتارها) توسط افراد بوجود می‌آید (سامرز، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۳). بر این اساس آینده‌نیازمند رویکرد میان‌رشته‌ای برای فهم روابط متقابل است (چاکرابارتی^۳، ۲۰۱۹، ص. ۱۱۵). با ظهور تفکر آینده‌پژوهی و اشاعه مبانی فکری آن، می‌توان گفت آینده‌پژوهی، نیازمند بهره‌گیری از توانایی‌ها و استعدادهای طیف متنوعی از نیروهای انسانی و داشتن دیدی سطح بالا است (تقوی، ۱۳۹۲، ص. ۸). آینده‌پژوهی انتقادی^۴ به عنوان یکی از ابعاد تحقیقاتی سهیل عنایت‌الله، رویکرد بنیادین این پژوهش است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و بر حسب رهیافت تحقیق، توصیفی-اکتشافی و بر اساس دیدگاه پاپر^۵ به لحاظ سرشت روش‌ها کیفی-کمی است. به منظور شناسایی و تعیین عوامل و متغیرهای موجود در عدالت اجتماعی، داده‌ها به کمک تکنیک پویش محیطی با روش‌های مرور منابع چاپی، مقالاتی به قلم خبرگان، ردپای افراد کلیدی، پایش کنفرانس‌ها و پانل خبرگان (فخرایی و کیقبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۷) گردآوری شده است. در پانل خبرگان از نمونه‌گیری هدفمند بهره گرفته، زیرا از نظر گوده^۶ در تکنیک‌های خبره محور تسلط نظری، تجربه عملی و

1. Suddendorf
2. Slaughter
3. Chakrabarti.
4. Critical Futures Studies
5. Popper
6. Godet

اطمینان از جامعیت دیدگاه‌های متخصصین بر تعداد آنها ارجحیت دارد (نصرتی هشی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۶). جامعه آماری این پژوهش با مشارکت ۱۶ متخصص رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی را دربر می‌گیرد که برآیند تکنیک پویش محیطی و برگزاری ۴ جلسه پانل خبرگان، شناسایی ۲۱ متغیر اولیه جهت بررسی وضعیت آینده عدالت اجتماعی در شهر است. داده‌ها با روش تحلیل ساختاری با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک (MICMAC)^۱ تجزیه و تحلیل می‌شوند.

در روش تحلیل ساختاری، هدف تأکید بر تعیین کلیدی‌ترین متغیرها و ساختار روابط بین متغیرهای کیفی توصیف‌کننده سیستم پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی است (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۰). فرآیند روش تحلیل ساختاری از نظر روش‌شناسی از سه گام اصلی تشکیل می‌شود: ۱. تهیه فهرستی از عوامل و متغیرهایی که بر آینده تأثیرگذار هستند و بر اساس تکنیک پویش محیطی انجام می‌شود، ۲. شناسایی و توصیف روابط میان متغیرها و عوامل شناسایی شده در گام اول، ۳. شناسایی متغیرهای کلیدی بر اساس رابطه میان متغیرها و عوامل تأثیرگذار (ناظمی، ۱۳۹۴، ص. ۳۷۶). برای انجام محاسبات پیچیده جهت شناسایی متغیرهای کلیدی از نرم‌افزار میک‌مک استفاده گردید (جائوتسی و سایو، ۱۳۹۵، ص. ۳۲۳). پس از فهرست متغیرها توسط کارشناسان، شدت اثر هر متغیر بر متغیر دیگر و روابط میان آنان براساس امتیازدهی تعیین می‌گردد (طالبیان و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۸۰). نتیجه به صورت یک نمودار در یک محور مختصات (تأثیرگذاری-تأثیرپذیری) مطابق شکل شماره (۲) نمایش داده می‌شود.



شکل ۲. پلان تأثیرگذاری-تأثیرپذیری گروه‌های مختلف متغیرها

مأخذ: (لابدزکا، ۲۰۱۶، ص. ۵۷)

۳. یافته‌ها

هر مجموعه، به عنوان یک کل پیچیده دارای عنصر و اجزاء خاص است که روابط مشخص و نیز عملکرد نظام‌مند و معین میان عناصر، یک «سیستم» تشکیل می‌دهند. بنابراین، ۲۱ متغیر اولیه با استفاده از تکنیک پوش محیطی (مرور منابع چاپی، مقالاتی به قلم خبرگان، ردپای افراد کلیدی، پایش کنفرانس‌ها)، پانل خبرگان و بررسی پیشینه ادبیات شناسایی شدند. به عبارت دیگر، اطلاعات از طریق منابع اسنادی، کتابخانه‌ای و پیمایشی گردآوری و با متغیرهای به دست آمده از مصاحبه با کارشناسان و متخصصان با هم تلفیق شده که در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. پایگاه متغیرهای اولیه عدالت اجتماعی اثرگذار بر شهر در افق ۱۴۱۰

متغیرهای اولیه		
۱- ایجاد فرصت‌های برابر	۸- ایجاد چتر حمایتی از بازنشستگان و از کارافتادگان	۱۵- تحدید اندازه دولت
۲- دموکراسی شهری	۹- نظارت بر عملکرد مدیران شهری	۱۶- کاهش فساد اداری
۳- توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۱۰- اصلاح هدفمندسازی یارانه‌های شهری	۱۷- ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی
۴- نظام تامین اجتماعی فراگیر	۱۱- ایجاد فضای مناسب دسترسی به خدمات	۱۸- رفع تبعیض جنسیتی در شهرها
۵- تامین نیازهای اولیه	۱۲- مشارکت شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های شهری	۱۹- شایسته‌سالاری
۶- تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۱۳- کاهش شکاف طبقاتی	۲۰- توزیع منابع و خدمات بر اساس نیاز
۷- نظام مالیاتی کارآمد	۱۴- آموزش حقوق شهروندی	۲۱- استحقاق

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

این متغیرها به عنوان بخشی از یک سیستم شهری مبنای پایه‌ای سیستم در مطالعات آینده‌پژوهی را در افق ۱۴۱۰ تشکیل می‌دهند. با تشکیل یک ماتریس به ابعاد 21×21 و ارزیابی و امتیازدهی روابط بین متغیرها توسط متخصصین در پانل خبرگان، به منظور رسیدن به ضریب بالایی از روایی‌ها با افزایش تعداد چرخش‌ها تا ۴ بار جهت مطلوبیت صددرصدی، سطح داده‌ها به روایی قابل قبول رسیدند. برآیند اولیه تحلیل اجزای سیستم به کمک نرم‌افزار میک نیز در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲. برآیند نخست تحلیل ماتریس داده‌ها

اندازه ماتریس	۲۱
تعداد تکرار	۴
تعداد صفر	۲۱۵
تعداد یک	۱۱۸
تعداد دو	۸۰
تعداد سه	۲۸

۲۲۶	جمع
۵۱/۲۴	میزان پرشدگی

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

بر این اساس، میزان پرشدگی ماتریس ۵۱/۲۴ درصد بوده است. بنابراین، ۲۲۶ رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس، ۲۱۵ رابطه از یکدیگر هیچ تأثیری نپذیرفته اند. ۱۱۸ رابطه تأثیر کمی بر همدیگر داشته و ۸۰ رابطه از ارتباط نسبتاً قوی برخوردار بوده اند. رابطه ۲۸ متغیر نشان می دهد ارتباط بین آنها بسیار زیاد بوده اطوری که دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بیشتری می باشند.

۱.۳. سنجش اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرها

جدول شماره (۳)، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل ارتباط بین متغیرها توسط نرم‌افزار میک مک است که میزان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرها بر یکدیگر نشان می دهد.

جدول ۳. نتایج اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرها

رتبه	متغیرهای اثرگذار	میزان اثرگذاری به درصد	متغیرهای اثرپذیر	میزان اثرپذیری به درصد
۱	ایجاد فرصت های برابر	۱۰	توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۹
۲	توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۹	تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۸
۳	دموکراسی شهری	۸	ایجاد فرصت های برابر	۸
۴	تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۸	توزیع منابع و خدمات بر اساس نیاز	۷
۵	آموزش حقوق شهروندی	۷	استحقاق	۷
۶	استحقاق	۵	کاهش شکاف طبقاتی	۷
۷	نظام تأمین اجتماعی فراگیر	۵	تأمین نیازهای اولیه	۶
۸	مشارکت شهروندان در طرح ها و برنامه های شهری	۵	نظام تأمین اجتماعی فراگیر	۶
۹	کاهش شکاف طبقاتی	۴	مشارکت شهروندان در طرح ها و برنامه های شهری	۶
۱۰	توزیع منابع و خدمات بر اساس نیاز	۴	دموکراسی شهری	۵
۱۱	اصلاح هدفمندسازی یارانه های شهری	۴	کاهش فساد اداری	۵
۱۲	تأمین نیازهای اولیه	۴	ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی	۴
۱۳	ایجاد فضای مناسب دسترسی به خدمات	۴	ایجاد فضای مناسب دسترسی به خدمات	۴
۱۴	نظارت بر عملکرد مدیران شهری	۴	اصلاح هدفمندسازی یارانه های شهری	۴
۱۵	ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی	۳	ایجاد چتر حمایتی از بازنشستگان و از کارافتادگان	۴
۱۶	نظام مالیاتی کارآمد	۳	رفع تبعیض جنسیتی در شهرها	۴
۱۷	رفع تبعیض جنسیتی در شهرها	۳	نظارت بر عملکرد مدیران شهری	۳
۱۸	تحدید اندازه دولت	۳	شایسته سالاری	۳
۱۹	ایجاد چتر حمایتی از بازنشستگان و از	۲	آموزش حقوق شهروندی	۱

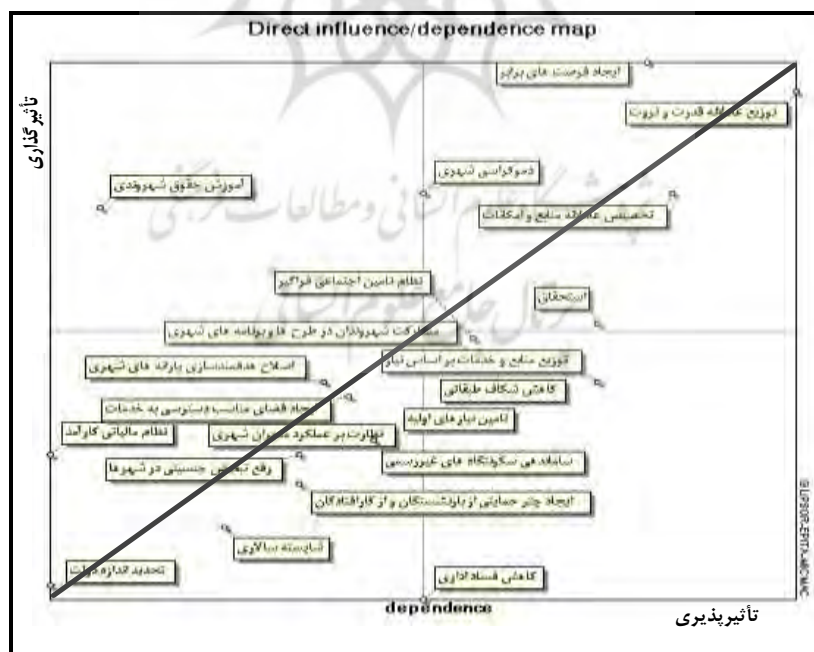
رتبه	متغیرهای اثرگذار	میزان اثرگذاری به درصد	متغیرهای اثرپذیر	میزان اثرپذیری به درصد
	کارافتادگان			
۲۰	شایسته سالاری	۲	نظام مالیاتی کارآمد	۱
۲۱	کاهش فساد اداری	۲	تحدید اندازه دولت	۱

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

تحلیل‌ها حاکی از آن است، ۱۰ متغیر کلیدی اثرگذار و اثرپذیر در محیط سیستم عیناً با اختلاف جزئی در رتبه تکرار شده‌اند.

۳.۲. ارزیابی گراف اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرها

در تکنیک تحلیل اثرات متقابل دو نوع پراکنندگی وجود دارد که «سیستم پایدار و ناپایدار» نام دارند. متغیرهایی که حول محور قطری صفحه مختصات جای دارند در اکثر مواقع در وضعیت بینابین از اثرگذاری و اثرپذیری قرار می‌گیرند که این مسأله شناسایی متغیرهای اصلی و کلیدی را با مشکل مواجه می‌سازد. از این رو، طبق شکل (۳)، نحوه توزیع متغیرها در سیستم مختصات نشان‌دهنده وضعیت ناپایداری سیستم است و پراکنش متغیرها بیشتر در گرداگرد محور قطری این صفحه مشاهده می‌شود که این امر نشان می‌دهد اندک بودن متغیرهای کلیدی اثرگذار، سیستم را تهدید می‌نماید.



شکل ۳. نقشه پراکنش اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرهای عدالت اجتماعی

بر اساس تحلیل نرم‌افزار پنج نوع از متغیرها با توجه به موقعیت آنها در سیستم مختصات بالا قابل شناسایی می‌باشند:

- **ناحیه اول (متغیرهای تعیین‌کننده یا تأثیرگذار):** متغیرهای این ناحیه اثرگذاری بیشتر و اثرپذیری کمتری دارند. آینده سیستم بیشتر تحت تأثیر این متغیرها بوده، غیرقابل کنترل و از ثبات بیشتری برخوردار می‌باشند. با توجه به پلان پراکندگی، «آموزش حقوق شهروندی» به عنوان اثرگذارترین متغیر عدالت اجتماعی در محیط شهری در افق ۱۴۱۰ شناخته می‌شود.

- **ناحیه دوم (متغیرهای کلیدی یا دو وجهی):** نشان‌دهنده متغیرهایی است که از اثرگذاری و اثرپذیری بالایی برخوردار و در قسمت شمال‌شرق صفحه مختصات جای گرفته‌اند. ماهیت آن‌ها با عدم پایداری آمیخته است. این متغیرها عبارتند از «ایجاد فرصت برابر» و «دموکراسی شهری». همچنین، متغیرهای کلیدی یا دو وجهی به دو گروه متغیرهای «ریسک» و «هدف» قابل تقسیم است:

۱. **متغیرهای ریسک:** این متغیر در بالای خط قطری ناحیه شمال‌شرق قرار دارد و از ظرفیت بسیار زیادی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم برخوردار است، مانند «توزیع عادلانه قدرت و ثروت».

۲. **متغیرهای هدف:** این متغیرها در زیر خط ناحیه شمال‌شرقی نمودار جای دارند. با دست‌کاری نمودن متغیرهای هدف، می‌توان به تغییرات و تکامل سیستم در جهت موردنظر دسترسی پیدا کرد. این متغیرها بیش از آن که نتایج از پیش تعیین‌شده‌ای را نمایش دهند، نشانگر «اهداف ممکن» در سیستم می‌باشند، مانند «تخصیص عادلانه منابع و امکانات» و «استحقاق».

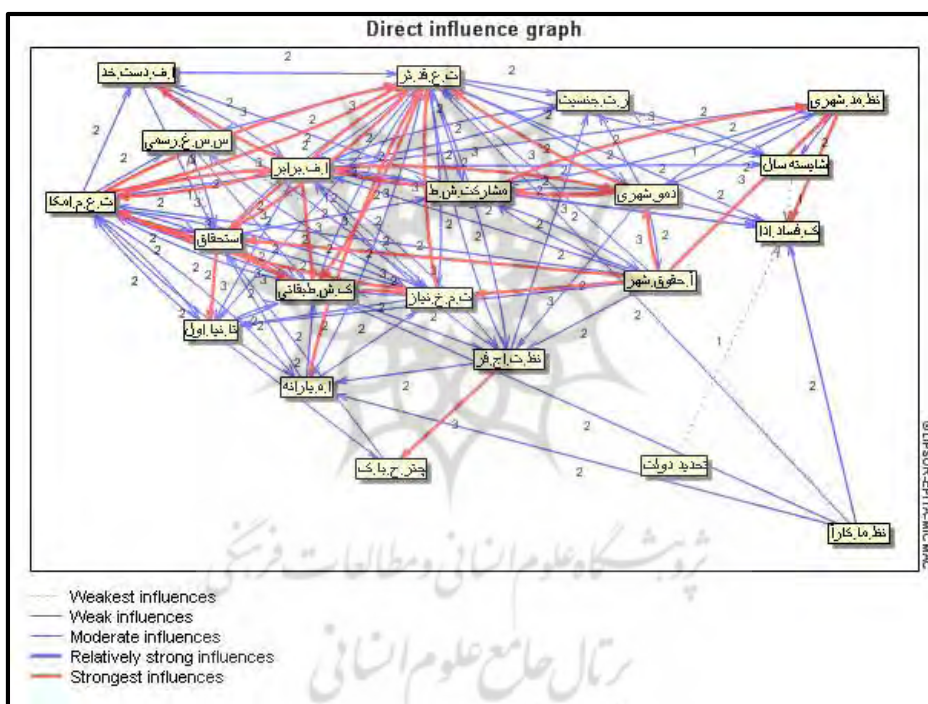
- **ناحیه سوم (متغیرهای مستقل یا قابل چشم‌پوشی):** نشانگر متغیرهایی است که از میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کمی برخوردار هستند. اما هر یک از این متغیرها از وضعیت یکسانی برخوردار نبوده و بنا به موقعیت جای‌گیری در سیستم، شرایط متفاوتی را تجربه خواهند نمود. این متغیرها شامل «اصلاح هدف‌مندی‌سازی یارانه‌های شهری»، «ایجاد فضای مناسب دسترسی به خدمات»، «نظارت بر عملکرد مدیران شهری»، «ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی»، «نظام مالیاتی کارآمد»، «رفع تبعیض جنسیتی»، «ایجاد چتر حمایتی از بازنشستگان و ازکارافتادگان»، «شایسته‌سالاری» و «تحدید اندازه دولت» است. لازم به ذکر است متغیرهای این ناحیه هر چه به ناحیه دوم نزدیک‌تر شوند از قابلیت کنترل توسط سیستم برخوردار بوده و بر اهمیت استراتژیک بودن متغیرها خواهد افزود.

- **ناحیه چهارم (متغیرهای تأثیرپذیر یا وابسته):** متغیرهایی را که میزان تأثیرگذاری آن‌ها کم و تأثیرپذیری آن‌ها زیاد است، نشان می‌دهند. معمولاً به عنوان خروجی سیستم در نظر گرفته می‌شوند و جزو اهداف سیستم به شمار می‌آیند. این متغیر عبارت است از «کاهش شکاف طبقاتی»، «توزیع منابع و خدمات بر اساس نیاز»، «تأمین نیازهای اولیه» و «کاهش فساد اداری».

- **ناحیه پنجم (متغیرهای تنظیمی):** در نزدیکی مرکز ثقل نمودار جای دارند و گاهی به عنوان «ریسک ثانویه» عمل می‌کنند. بسته به سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت در زمینه برنامه‌های عدالت اجتماعی، متغیرها قابل ارتقاء به متغیرهای

تأثیرگذار، تعیین کننده یا متغیرهای ریسک و هدف می‌باشند. در این زمینه می‌توان به «نظام تأمین اجتماعی فراگیر» و «مشارکت شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های شهری» اشاره کرد.

در شکل شماره (۴) نحوه اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم متغیرهای کلیدی در عدالت اجتماعی بر یکدیگر به تصویر کشیده شده است. این اثرگذاری و اثرپذیری بر حسب ضعیف‌ترین اثرها، اثرهای ضعیف، اثرهای متوسط، اثرهای قوی و قوی‌ترین اثرها به صورت خطوط گرافیکی نمایش داده می‌شود. بر اساس امتیازدهی کارشناسان، در این سیستم، قوی‌ترین روابط شامل متغیرهای «ایجاد فرصت برابر، توزیع عادلانه قدرت و ثروت و تخصیص عادلانه منابع و امکانات» است که بیشترین اثرگذاری مستقیم و متغیرهای «آموزش حقوق شهروندی»، «نظام مالیاتی کارآمد» و «تحدید اندازه دولت» کمترین اثرپذیری مستقیم را نسبت به سایر متغیرها دارا می‌باشند.



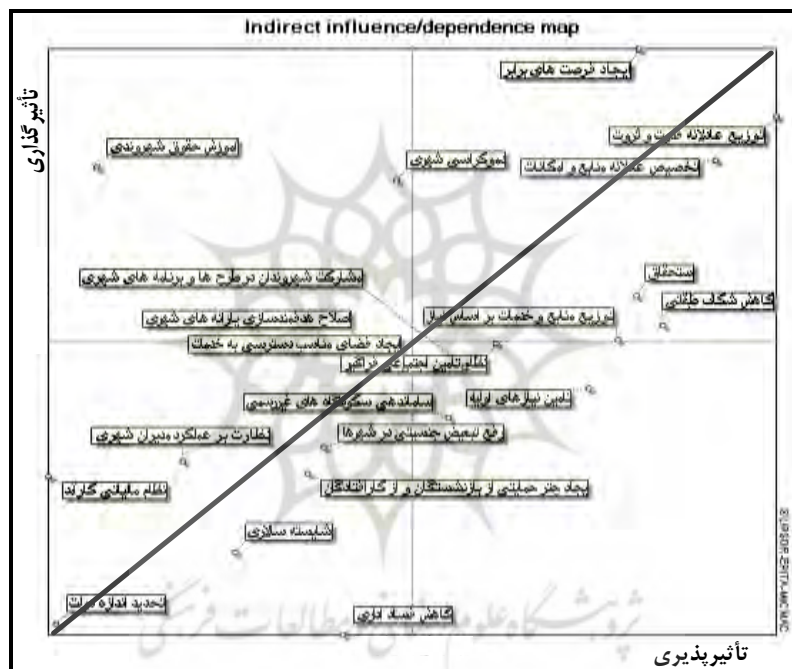
شکل ۴. گراف روابط مستقیم بین متغیرها

۳.۳. سنجش اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم متغیرها

در این بخش رتبه برخی متغیرها به ویژه «کاهش شکاف طبقاتی» از جایگاه ششم در اثرپذیری مستقیم به رتبه سوم در اثرپذیری غیرمستقیم ارتقاء یافته و در رتبه سایر متغیرها تغییری اندک مشاهده می‌شود. اما همانند جدول شماره (۳) ده متغیر اول رتبه بالایی را به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده آن است، این متغیرها از توانایی تحت تأثیر قرار دادن محیط سیستم به صورت غیرمستقیم برخوردار می‌باشند.

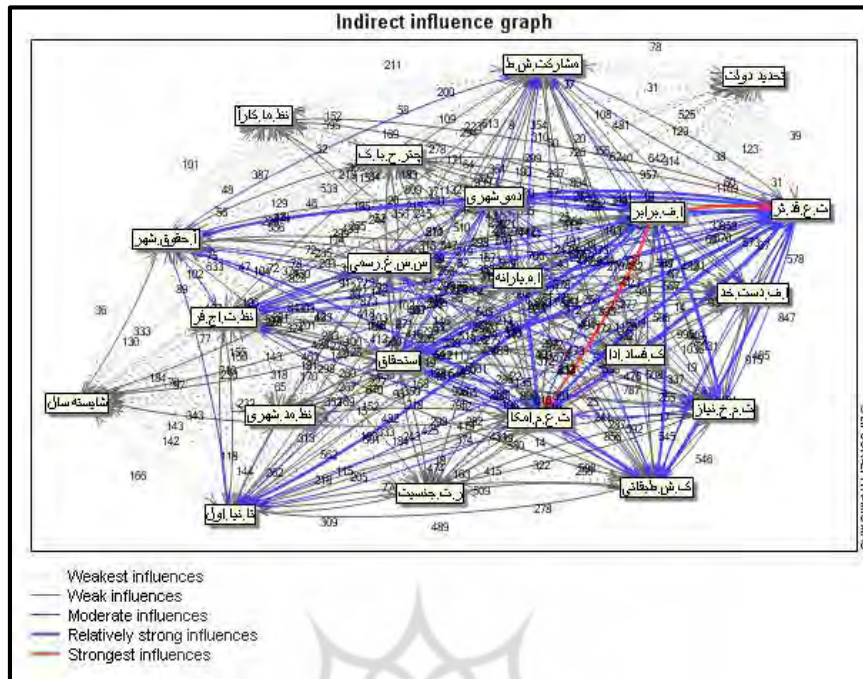
۳.۴. ارزیابی گراف اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم متغیرها:

طبق پلان پراکندگی شماره (۵)، نحوه توزیع متغیرها در گراف اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم نشان‌دهنده وضعیت ناپایداری سیستم است. اما یک تفاوت فاحش نسبت به نمودار پراکنش اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم دیده می‌شود. متغیرهای این نمودار، در ناحیه سوم (متغیرهای مستقل یا قابل چشم‌پوشی) از حالت تجمع خارج و به صورت قطری به سمت ناحیه دوم (متغیرهای کلیدی یا دو وجهی) در حال حرکت می‌باشند. بنابراین، متغیرهای مستقل هرچه به سمت ناحیه دوم نزدیکتر شوند باعث «تشدید» اثر شده و از اثرگذاری و اثرپذیری بسیاری برخوردار می‌شوند.



شکل ۵. پلان پراکندگی اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم متغیرهای عدالت اجتماعی

در شکل شماره (۶) نحوه اثرگذاری و اثرپذیری غیرمستقیم متغیرهای کلیدی در عدالت اجتماعی بر همدیگر ارزیابی شده است.



شکل ۶. گراف روابط غیرمستقیم بین متغیرها

با توجه به ارزش‌گذاری متخصصین، همانند شکل شماره (۴)، قوی‌ترین روابط شامل متغیرهای «ایجاد فرصت برابر، توزیع عادلانه قدرت و ثروت و تخصیص عادلانه منابع و امکانات» است که بیشترین اثرگذاری غیرمستقیم و متغیرهای «آموزش حقوق شهروندی»، «نظام مالیاتی کارآمد» و «تحدید اندازه دولت» از کمترین اثرپذیری غیرمستقیم در مقایسه با دیگر متغیرها برخوردار است.

۴. بحث

با مطالعه صورت گرفته در حوزه عدالت اجتماعی، هر یک از پژوهشگران به یک جنبه خاص از متغیرهای عدالت اجتماعی تمرکز نموده و ضعف و قوت‌های آن را در جغرافیای شهری ایران مورد کنکاش قرار داده‌اند. اما با توجه به بررسی اندک در شناخت میزان اثرگذاری و جایگاه متغیرهای عدالت اجتماعی در محیط شهری، این مطالعه تمرکز دقیق و صرف خود را بر متغیرهای عدالت اجتماعی جهت شناخت وزن و اثرگذاری مضاعف هر یک از متغیرها در محیط سیستم شهری معطوف می‌نماید. مطالعه متغیرهای کلیدی اثرگذار بر وضعیت آینده عدالت اجتماعی در افق ۱۴۱۰ نشان می‌دهد، از بین ۲۱ متغیر مورد مطالعه، ۶ متغیر به عنوان بازیگران کلیدی و مؤثر از نقش بسیار مهمی در تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی در سیستم شهری ایران برخوردارند.

جدول ۴. مهمترین متغیرهای کلیدی اثرگذار مستقیم و غیرمستقیم بر سیستم عدالت اجتماعی در افق ۱۴۱۰

رتبه	متغیر کلیدی (اثرگذاری مستقیم)	امتیاز به درصد	متغیر کلیدی (اثرگذاری غیرمستقیم)	امتیاز به درصد
۱	ایجاد فرصت های برابر	۱۰	ایجاد فرصت های برابر	۱۰
۲	توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۹	توزیع عادلانه قدرت و ثروت	۹
۳	دموکراسی شهری	۸	تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۸
۴	تخصیص عادلانه منابع و امکانات	۸	آموزش حقوق شهروندی	۸
۵	آموزش حقوق شهروندی	۷	دموکراسی شهری	۸
۶	استحقاق	۵	استحقاق	۶

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

محیط سیستم تحت تأثیر این ۶ متغیر کلیدی از جمله، «ایجاد فرصت های برابر»، «توزیع عادلانه قدرت و ثروت»، «دموکراسی شهری»، «تخصیص عادلانه منابع و امکانات»، «آموزش حقوق شهروندی» و «استحقاق» است که در ناحیه یک و دوم پلان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم قرار دارند. متغیرهای «آموزش حقوق شهروندی» و «دموکراسی شهری» به عنوان متغیرهای تعیین کننده، بحرانی ترین مؤلفه‌ها در نظر گرفته می شود، زیرا از یک سو، تغییرات سیستم وابسته به آنهاست و از سوی دیگر به عنوان متغیرهای ورودی سیستم عمل می کنند. به عبارت دیگر پایداری سیستم شدیداً به این متغیرها وابسته است. در سطح بعدی متغیرهای «ایجاد فرصت های برابر»، «توزیع عادلانه قدرت و ثروت»، «تخصیص عادلانه منابع و امکانات» و «استحقاق» قرار دارند که به متغیرهای دوجویی معروف می باشند. ماهیت این متغیرها با عدم پایداری آمیخته است، زیرا هر عمل و تغییری بر روی آنها موجب واکنش و تغییر بر دیگر متغیرها می گردد و همچنین بر سیستم اثرگذاری قابل قبولی دارند. آنچه در اینجا مهم است، از میان متغیرهای دوجویی، متغیر «توزیع عادلانه قدرت و ثروت» جزو متغیرهای استراتژیک محسوب می شود، چون با اثرگذاری و اثرپذیری بسیار بالا می تواند سیستم را تحت تأثیر خود قرار دهد. از ریشه های کم توجهی به این متغیرها نخست، می توان به رشد شتابان و بی برنامه شهرنشینی تحت لوای «مدرنیزاسیون و نوسازی» در شهرهای ایران اشاره داشت که این امر منجر به توسعه ناموزون و استقرار ساختارهای سیاسی-اقتصادی متمرکزگرا در گذشته شده است. سپس، اقتصاد نفتی و سود ناشی از آن موجب انباشت و تراکم سرمایه و به دنبال آن انباشت قدرت به ویژه در شهرهای بزرگ، موجب تشدید عدم خلق فرصت های برابر و عدم توزیع عادلانه قدرت و ثروت با توجه به پتانسیل ها و ظرفیت های محیطی شهرها شده است. این توسعه نامتوازن باعث رشد و تمرکز خدمات و فعالیت های تولیدی در برخی بخش ها و مناطق خاص و سرانجام «قطبی شدن» آن مناطق به دنبال دارد. به گونه ای که در دهه های اخیر، الگوی توسعه به نفع طبقات اجتماعی خاص در شهرهای بزرگ از جمله تهران، البرز، مشهد، تبریز و... رقم خورده است. زیرا شهرهای بزرگ در ایران بیشترین سرمایه های انسانی، اجتماعی و اقتصادی را به سوی خود جذب نموده است. این مسئله به محرومیت، نابرابری و عدم دسترسی سایر مناطق شهری به خدمات، امکانات و ثروت دامن می زند. شکل گیری سکونتگاه های غیررسمی و حاشیه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ ایران، فقر شهری و نیز

پدیده‌های متأخری از جمله گور خوابی، درخت خوابی، اجاره پشت بام فقط جهت خواب و ماشین خوابی در درون شهرهای بزرگ (از جمله، شهر تهران) از پیامدهای عدم توزیع بهینه قدرت، ثروت و امکانات در پهنه سرزمینی ایران است. از این رو، بروز بحران‌های اجتماعی-اقتصادی، نارضایتی عمومی و شوریدن بر علیه ساختار قدرت و حاکمیت، سیمای شهری و عملکردی سیستم شهری را با مخاطره مواجه می‌سازد. بنابراین، در آموزش حقوق شهروندی و دموکراسی شهری مسایلی همچون حق حیات، کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری شهروندان، حق آزادی و امنیت شهروندی و حق مشارکت در تعیین سرنوشت می‌تواند تحقق عدالت اجتماعی را تحت الشعاع قرار دهد. ایجاد فرصت‌های برابر به دور از حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، سن، زبان، طبقه اجتماعی و ...، به منظور استفاده از نعمت‌های مادی و معنوی موجود برای تمام اقشار جامعه شهری، نیز می‌تواند حداکثر منفعت محرومان را تأمین نماید و هم ضمن برقراری برابری فرصت بر اساس استعداد فردی، مقام‌ها و موقعیت‌ها را برای همگان باز و دسترس‌پذیر کند. توزیع عادلانه قدرت و ثروت می‌تواند از اختیارات مدیران و مسئولان شهری کاسته و موجب تقویت حدود و اختیارات مقامات و نهادهای محلی از جمله پارلمان‌ها یا شوراهای شهری گردد تا شهروندان را در اداره بهینه و شایسته شهر به مشارکت در امور ترغیب نماید. همچنین، در صورت توزیع عادلانه ثروت در سطوح مختلف جامعه و وضعیت نابسامان گروه‌های اجتماعی کم درآمد را بسامان‌تر نموده و این امر کیفیت زندگی و شکاف طبقاتی را بهبود خواهد بخشید. نحوه توزیع عادلانه منابع و امکانات بر ساختار ماهیت شهر و تفکیک طبقاتی نواحی شهر اثرگذار خواهد گذاشت و اداره شهر را با مشکلات جدی رو به رو خواهد کرد. از این رو، توزیع و توازن مناسب و شایسته امکانات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی در بین مناطق شهری از نابرابری، ایجاد شکاف در توسعه و توزیع نامناسب جمعیت جلوگیری خواهد کرد. در غیر اینصورت، به بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و مسایل پیچیده فضایی خواهد انجامید. توزیع نادرست امتیازات مشترک (شامل، ثروت، کرامت انسانی، شایستگی‌ها و مراتب اجتماعی، بهداشت و سلامت)، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی ناگواری در پی خواهد داشت (مانند، مهاجرت روستاییان به شهرها و یا مهاجرت از شهرهای کوچک و دور افتاده به شهرهای بزرگ). توزیع نامتناسب در درون خود شهرها نیز سبب تقسیم شهرها (به ویژه شهرهای بزرگ) به دو بخش مرفه‌نشین و فقیرنشین می‌شود که این خود به افزایش تبعیض و بی‌عدالتی دامن خواهد زد. علاوه بر موارد مذکور، باید منابع و امکانات شهری به تناسب نیاز، وظایف و تعهد گروه‌های اجتماعی (استحقاق) به آنها اعطاء شود و بدین ترتیب از استثمار و تضییع حقوق افراد جلوگیری گردد. به طور کلی، این امر در گرو نگاه ویژه به «انسان محور توسعه» و «اصلاحات ساختاری» از سطح کلان ملی تا سطح خرد محلی است تا شهرها با توجه به ظرفیت‌های محیطی مبتنی بر عدالت و برابری برنامه ریزی شوند.

۵. نتیجه‌گیری

شهرهای ایران طی دهه‌های اخیر در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمومی همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. همچنین، سازمان فضایی آن منطبق بر کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیست و این ساختارها فاقد ایدئولوژی متکی بر عدالت اجتماعی می‌باشند. به طوری که اثرات آن را می‌توان در فضا و سیمای شهری کشور می‌توان مشاهده نمود. بدین منظور، پژوهشی در راستای شناخت متغیرهای کلیدی و اثرگذار بر تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی در افق ۱۴۱۰ و روابط میان متغیرها صورت گرفت. در این بررسی، با جمع‌آوری داده‌ها به کمک ابزارهای آینده‌نگاری از جمله تکنیک پویش محیطی و پانل خبرگان، ۲۱ عامل اولیه دخیل در امر عدالت اجتماعی تعیین شدند. سپس با ایجاد یک ماتریس به ابعاد 21×21 جهت ارزیابی و ارزش‌گذاری روابط بین متغیرها توسط کارشناسان و خبرگان، برآیند اولیه مبین نرخ پرشدگی ماتریس $51/24$ درصد است. پراکنش متغیرها در پلان اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم و غیرمستقیم نشان می‌دهد، سیستم به علت پراکنش متغیرها در گرداگرد محور قطری در وضعیت ناپایدار بسر می‌برد. از این رو، نتایج نشان می‌دهد، متغیر «آموزش حق شهروندی» در ناحیه اول سیستم مختصات از اثرگذاری بسیار بالایی برخوردار است و همچنین متغیرهای «دموکراسی شهری»، «ایجاد فرصت‌های برابر»، «توزیع عادلانه قدرت و ثروت»، «تخصیص عادلانه منابع و امکانات» و «استحقاق» در ناحیه دوم پلان پراکندگی به عنوان متغیرهای دو وجهی دارای اثرگذاری و اثرپذیری بسیار بالایی می‌باشند. از این میان متغیر «توزیع عادلانه قدرت و ثروت» متغیر استراتژیک سیستم به شمار می‌رود. بر این اساس، سرلوحه قرار دادن آموزش حقوق شهروندی و حق مشارکت در تعیین سرنوشت، ایجاد فرصت‌های برابر فارغ از جنسیت، نژاد، مذهب و طبقه، کاهش اختیارات مدیران شهری و تقویت نهادهای محلی، توجه ویژه به گروه‌های اجتماعی کم درآمد و توزیع و توازن شایسته امکانات اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی در بین مناطق شهری کشور در برنامه‌ها و سیاست‌های حکمروایی ملی و شهری می‌تواند حداکثر منفعت محرومان و ذینفعان را تأمین کند. بنابراین، در صورت عدم توجه به متغیرهای کلیدی یاد شده در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های ملی، منطقه‌ای و محلی می‌تواند شهرهای ایران را با بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مشکلات پیچیده فضایی مواجه نماید و از توسعه پایدار دور نماید. بر این اساس، پیشنهادهایی برای مطلوبیت و ارتقاء سیاست‌ها و برنامه‌های تحقق‌پذیری عدالت اجتماعی در شهرهای ایران طی افق ۱۴۱۰ به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- تقویت حقوق و آزادی‌های مدنی در راستای حقوق شهروندی و دموکراسی شهری؛
- برنامه‌ریزی پان‌اُپتیکن^۱ بر اساس سند توسعه آمایش سرزمین به منظور توزیع عادلانه قدرت و ثروت؛
- تدوین سیاست‌های شهری عدالت‌محور به منظور خلق فرصت‌های برابر برای شهروندان؛
- توزیع شایسته و متوازن منابع و امکانات با توجه به ظرفیت‌های نواحی شهری؛

- تدوین برنامه‌های فراگیر به منظور تسهیل و گسترش رقابت عادلانه و مشارکت اجتماعی و اقتصادی شهروندان؛
- توزیع عادلانه منافع در بین طبقات اجتماعی بر اساس نیاز، وظایف و تعهد (استحقاق).

کتاب‌نامه

۱. احدنژاد روشتی، م.، موسوی، م.ن.، محمدی حمیدی، س.، و ویسیان، م. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل عدالت اجتماعی در برخورداری از خدمات شهری (مورد مطالعه: دسترسی به خدمات آموزشی مقطع راهنمایی شهر میاندوآب). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱(۴)، ۵۱-۳۳.
۲. احمدیان، ر.، فتحعلی بیگلر، م.، و ژاله رجیبی، پ. (۱۳۹۵). روش‌ها و فنون کاربردی در طراحی شهری و برنامه ریزی شهری منطقه ای. تهران: انتشارات آذرخش.
۳. بندرآباد، ع.، و خلیجی، م.ع. (۱۳۹۷). سنجش عدالت اجتماعی با رویکرد توسعه پایدار (نمونه موردی: مناطق شهری تبریز). *فصلنامه شهر پایدار*، ۱(۱)، ۸۹-۷۷.
۴. تقوی، م. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی: روش‌شناسی آینده‌پژوهی (جلد پنجم)*. تهران: ناشر مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۵. جاثوتسی، م.، و سایپو، ب. (۱۳۹۵). *آخرین پیشرفت‌ها در روش‌شناسی‌های آینده‌نگاری؛ ترجمه سینا فقیه، محمدمبین فقیه و فرهاد نظری زاده*. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۶. حاتمی نژاد، ح.، حسینی، ح.، و جوانبخت، م. (۱۳۹۷). *عدالت فضایی در ایران*. مشهد: انتشارات پاپلی.
۷. حاتمی نژاد، ح.، و شورچه، م. (۱۳۹۳). *شهر و نظریه انتقادی (با تأکید بر آراء و آثار دیوید هاروی)*. تهران: انتشارات پرهام نقش.
۸. خاکپور، ب.، و باوان پوری، ع. (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل نابرابری سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهری مشهد. *مجله دانش و توسعه*، ۲۷، ۲۰۲-۱۸۲.
۹. خزایی، س.، و حسینی گلکار، م. (۱۳۹۴). *جستارهایی در باب آینده‌پژوهی*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۱۰. داداش پور، ه.، علیزاده، ب.، و رستمی، ف. (۱۳۹۳). *گفتمان عدالت فضایی در شهر*. تهران: انتشارات آذرخش.
۱۱. رحیمی، ل.، و نقی زاده، م. (۱۳۹۵). *تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محلّه)*. *مجله هویت شهر*، ۲(۱۰)، ۲۰-۱۳.
۱۲. رهنما، م.ر.، و حسینی، م. (۱۳۹۵). *کاربرد نرم‌افزارهای آینده‌پژوهی در مطالعات شهری*. مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد.
۱۳. زیاری، ک.، ربانی، ط.، و ساعدموچشی، ر. (۱۳۹۶). *آینده‌پژوهی: پارادایمی نوین در برنامه‌ریزی با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (مبانی، مفاهیم، رویکردها و روش‌ها)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. سامرز، س. (۱۳۹۳). *مانند یک آینده‌پژوه فکر کنید؛ ترجمه فرنگیس الیاسی*. انتشارات دارخوین.

۱۵. ستاوند، م. ه.، حاجی زاده، ف.، و یغفوری، ح. (۱۳۹۸). واکاوی فضایی مناطق شهری شیراز از منظر عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات عمومی. *مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۹ (۵۲)، ۱۹۲-۱۷۱.
۱۶. شکویی، ح. (۱۳۹۵). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا (جلد اول)*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۱۷. شکویی، ح. (۱۳۹۸). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول)*. تهران: انتشارات سمت.
۱۸. طالبیان، ح.، مولایی، م. م.، و قراری، ف. (۱۳۹۶). تحلیل ساختاری به روش میک مک فازی در آینده نگاری راهبردی (مطالعه موردی: آینده پژوهی ایران ۱۳۹۴). *دو فصلنامه آینده پژوهی ایران*، ۱ (۲)، ۱۰۳-۷۵.
۱۹. فخرایی، م.، و کیقبادی، م. (۱۳۹۳). *نگاهی به روش‌های آینده پژوهی: معرفی شش تکنیک مهم و پرکاربرد در آینده پژوهی*. تهران: ناشر آینده پژوه.
۲۰. کلانتری، م.، مشکینی، ا.، پیری، ع.، و زرین کاویانی، ع. (۱۳۹۸). تحلیل ساختاری موانع توانمندسازی اجتماع محور در مناطق اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله بان‌برز شهر ایلام). *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۱۰ (۳۶)، ۳۲-۲۱.
۲۱. مشکینی، ا.، امیرحاجلو، ا.، و زنگانه، ا. (۱۳۹۶). تبیین نابرابری در توسعه صنعت گردشگری با نگاهی به ایران. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۹ (۴)، ۷۸۹-۷۶۹.
۲۲. مشکینی، ا.، رضاعلی، م.، و رضائی، م. (۱۳۹۶). تحلیلی بر برنامه ریزی و رابطه میان عدالت شهری و سرمایه اجتماعی در محله‌های شهر فردوسی، شهرستان شهریار. *مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ۸ (۳۱)، ۱۸۶-۱۶۵.
۲۳. مشکینی، ا.، لطفی، ص.، و احمدی کردآسیابی، ف. (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در عدالت فضایی میان نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر قائمشهر). *فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۱۸ (۲)، ۱۷۴-۱۵۳.
۲۴. مشکینی، ا.، و تردست، ز. (۱۳۹۸). اثرگذاری مشارکت در توانمندسازی سکونتگاه‌های مسأله دار شهری (مطالعه موردی: محله بانبرز ایلام). *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱ (۴۶)، ۱۶۱-۱۴۷.
۲۵. ملکشاهی، غ.، و وکیلی، ص. (۱۳۹۶). بررسی توزیع خدمات عمومی بر اساس عدالت اجتماعی (موردشناسی: شهر سقز). *مجله جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای*، ۲۵، ۱۷۰-۱۴۰.
۲۶. ناظمی، ا. (۱۳۹۴). *مبانی آینده پژوهی و روش‌های آن؛ تألیف سعید خزایی، امیر ناظمی، امیر هوشنگ حیدری، عزیز علیزاده و حامد کاشانی*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
۲۷. نصرتی هشی، م. (۱۳۹۶). *آینده پژوهی در بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: ناحیه یک، منطقه ۹ شهر تهران)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر حسین حاتمی نژاد و به مشاوره دکتر احمد پوراحمد، دانشکده جغرافیا، گروه جغرافیا انسانی، دانشگاه تهران.
۲۸. ودایع خیری، ر.، و رضائی، م. (۱۳۹۵). عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی شهروندان با نقش میانجیگری عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر فردوسی-شهرستان شهریار). *فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای*، ۶ (۲۴)، ۲۴۴-۲۳۱.

29. Aborisade, R. A. (2020). The insecurity of inequality in Africa: A review of recent developments. *KIU Journal of Social Sciences*, 6(1), 255-266.
30. Cao, M., & Hickman, R. (2020). *Transport, social equity and capabilities in East Beijing*. In Handbook on Transport and Urban Transformation in China. Uk: Edward Elgar Publishing. pp. 317-332.
31. Chakrabarti, A. (2019). *Research into design for a connected world* (Proceedings of ICoRD, 2). Singapore: Springer.
32. Ghaedrahmati, S., Khademalhoosini, A., & Tahmasebi, F. (2018). Spatial analysis of social justice in city of Isfahan, Iran. *Annals of GIS*, 24(1), 59-69.
33. Israel, E., & Frenkel, A. (2018). Social justice and spatial inequality: Toward a conceptual framework. *Progress in Human Geography*, 42(5), 647-665.
34. Kim, H., Marcouiller, D. W., & Choi, Y. (2019). Urban redevelopment with justice implications: The role of social justice and social capital in residential relocation decisions. *Urban Affairs Review*, 55(1), 288-320.
35. Kuhn, H. (2020). *Reducing Inequality Within and Among Countries: Realizing SDG 10—A Developmental Perspective*. Singapore: Springer.
36. Łabędzka, J. (2016). An extraction of key variables for long-term trends using a modified cross-impact matrix. *Problemy Eksploatacji*, 1, 55-63.
37. Moellendorf, D. (2018). *Cosmopolitan justice*. Routledge.
38. Naku, D. W. C. (2020). Bridging economic inequality gap in developing countries: A diagnosis of obstacles and opportunities in the context of Uganda. *Journal of Poverty, Investment and Development*, 5(1), 1-11.
39. Paya, A. (2018). Critical rationalism as a theoretical framework for futures studies and foresight. *Futures*, 96, 104-114.
40. Rahman, M. (2020). *Four years of SDGs in Bangladesh: Non-state actors as delivery partners*. Bangladesh: Centre for Policy Dialogue (CPD).
41. Seghers, J. (2020). *Whatever It Takes: A rapid and massive increase in aid is needed to save millions of lives and bring our divided world together amid the coronavirus pandemic*. Uk: Oxfam.
42. Slaughter, R. A. (2020). Futures Studies as a Quest for Meaning. *World Futures Review*, 12(1), 26-39.
43. Suddendorf, T. (2017). The Emergence of Episodic Foresight and Its Consequences. *Child Development Perspectives*, 11(3), 191-195.
44. Alvaredo, F., Chancel, L., Piketty, T., Saez, E., & Zucman, G. (2018). *World Inequality Report*. USA: Harvard University press.